

اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی

سمیه کیانی*

حسنعلی بختیار نصرآبادی**

دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱

پذیرش نهایی: ۹۰/۷/۱۶

چکیده

هدف این مقاله بررسی دیدگاههای اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و دلالتهای آن برای تربیت اخلاقی است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله، کیفی از نوع تحلیلی - توصیفی، مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. برای این منظور در وهله نخست به آثار و تألیفات خواجه طوسی به ویژه کتاب اخلاق ناصری و سپس به کتابها و مقالاتی مراجعه شد که در مورد تربیت اخلاقی بود. نظام اخلاقی خواجه طوسی بر شناخت نفس و اعتدال قوا مبتنی است. بر این اساس، مهمترین نتایج و دستاوردهای این تحقیق عبارت است از: شناسایی اهداف تربیت اخلاقی شامل اهداف غایی - واسطی و اهداف آموزشی، شناسایی اصول تربیت اخلاقی شامل شرافت و ارزشمندی انسان، اقتدا به طبیعت طفل و... برای تحقق این اصول، روشهایی مانند پرهیز از همنشینی با بدان و دوری از شنیدن حکایات آنان و... شناسایی شده است. **کلید واژه‌ها:** دیدگاه علمی خواجه نصیرالدین طوسی، اهداف تربیت اخلاقی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی، اخلاق و تربیت اسلامی.

*نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

Kiani.somaieh@gmail.com

**دانشیار دانشگاه اصفهان

h.nasrabadi@edu.ui.ac.ir

مقدمه

اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز و در همه جوامع مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین قرار داشته است. بشر امروزی نیز به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزشهای اخلاقی ناگزیر است به ارزشهای اخلاقی روی آورد (نجارزادگان، ۱۳۸۸: ۲۲). «تربیت اخلاقی» هم به عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت، که هدف عمده آن رشد اخلاقی شاگردان است به گونه‌ای که آنان را افرادی «نیک و خیر» بار آورد، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و یا غیر مستقیم بدان توجه کنند (رهنما، ۱۳۷۸: ۱). بنابراین نظام تعلیم و تربیت موظف است با تدوین اصول راهنمای عمل و روشهای مؤثر و متناسب با وضعیت بومی و دگرگونیهای محیطی، مربیان را در تربیت اخلاقی یاری کند؛ زیرا پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روشها و کارکردهای خودش را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونیهای محیطی، شاداب و زنده نگه دارد (باقری، ۱۳۸۶: ۵۸). اما اینکه نظام تعلیم و تربیت در کشور اسلامی ایران با رعایت کدامین اصول و به کارگیری چه روشهایی می‌تواند به تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان اقدام کند، سؤالی است مهم، که تنها با نگاه محققانه می‌توان به پاسخ آن دست یافت.

در این پژوهش سعی شده است با تحقیق در اندیشه‌های یکی از متفکران بزرگ ایرانی - اسلامی یعنی خواجه نصیرالدین طوسی، که ضمن بیان دیدگاه‌های فلسفی خود به طور مشخص از تربیت اخلاقی سخن گفته است و می‌توان در تهیه اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی نظام تربیتی از آرای او استفاده کرد به این پرسش، پاسخ داد. بدیهی است که جامعه امروز ما به عنوان بخشی از اجتماع بشری، که در عصر ارتباطات به سر می‌برد و از کوچکترین تغییر در تمامی عرصه‌های علمی،

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... خیلی سریع با خبر می‌شود، ناگزیر از جریانها و اندیشه‌های گوناگون بشری تأثیر می‌پذیرد و چنین نگرشی عملاً بر تعلیم و تربیت سایه می‌افکند به گونه‌ای که در نظام آموزشی ما جنبه‌های تربیت درونی و تربیت اخلاقی تحت الشعاع قرار گرفته است؛ بنابراین نیاز به خودسازی و به قول خواجه نصیرالدین طوسی تربیتی منتهی به سعادت در کنار تقویت قدرت ادامه دانش نظری، بیش از پیش احساس می‌گردد. بر همین اساس معرفی اندیشمندان بزرگ اسلامی و استفاده از نظر آنها که با فرهنگ ایرانی - اسلامی مطابق باشد و بتواند به رفع کمبود دستگاه تعلیم و تربیت کمک کند، لازم است. هرچند در دو سه دهه اخیر، نگرش به فلسفه تعلیم و تربیت به منزله گسترش مواضع فلسفی نظام‌دار به عرصه تعلیم و تربیت رو به ضعف گذاشته به هیچ وجه از بین نرفته است. برخی فیلسوفان تعلیم و تربیت با باورهای قوی اخلاقی، سیاسی یا مذهبی به قلم زدن در این سنت فکری پرداخته‌اند (باقری، ۱۳۸۶: ۵۱). به نظر محقق به منظور غنای بیشتر افراد در ابعاد نظری و عملی و توجه بیشتر به تربیت در کنار تعلیم، گسترش مواضع فلسفی متفکران بزرگ اسلامی به عرصه تعلیم و تربیت، ضروری است. بیان مبانی فلسفی و اخلاقی و آرای تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی و معرفی آن به متریبان می‌تواند راه را به منظور خودشناسی و خودسازی و در نهایت دستیابی به سعادت هموار سازد. در این راستا مسئله اصلی محقق این است که دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی را مشخص، و بر مبنای آن اهداف، اصول و روشهایی را برای تربیت اخلاقی بیان کند.

اخلاق

مباحث ارزش‌شناسی تا حدود بسیار زیادی با بحثهایی همپوشانی دارد که در فلسفه اخلاق شکل می‌گیرد. اخلاق از دسته مسائلی است که فراوان مورد توجه دین

مقدس اسلام و به تبع، اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. خواجه طوسی هم به تعریف خلق و اخلاق و نقش آن در زندگی و کمال انسان پرداخته است.

خواجه نصیر، خلق را ملکه راسخ در نفس می‌داند که رفتار متناسب با آن به آسانی و بدون تردید و بی اینکه به فکر زیاد نیاز داشته باشد از آن صادر می‌شود. منشأ پیدایش خلق در نفس دو امر است: الف) طبایع آدمیان: مردم به طور طبیعی و غیراکتسابی، اخلاق متفاوت دارند؛ برخی خوشخو و رئوفند و برخی تندخو و مردم-گریزند و با اندک ناراحتی خشمگین می‌شوند؛ به عبارت دیگر، فردی با رفتار خویش نشان می‌دهد که در زمینه‌ای از خلقیات از دیگران آماده‌تر است. ب) عادت: دومین عامل پیدایش ملکه نفسانی، عادت است. بر اثر تکرار فعل برای نفس هیأتی پدید می‌آید که اگر آن حالت و هیأت سریع الزوال باشد، حال نام دارد و اگر بسادگی قابل زوال نباشد و پایدار بماند، ملکه است (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۱۰۲ و ۱۰۱).

برای مشخص شدن تمایز بین حال، عادت و ملکه به ذکر این توضیحات بسنده می‌شود که افعال حسی یا عقلی را که در آغاز برای نفس نام‌نوسند، «حال» گویند. پس از مدتی که بر اثر تکرار و استمرار، نفس با آنها مرتبط شد و در خزانه نفس مستقر گردید و نفس به آنها خو گرفت به آنها «عادت» گویند و موقعی که عادت کاملاً در جان رسوخ کرد و با روح متحد گردید به آن «ملکه» گویند (ابن مسکویه، ۱۳۷۱ق: ۱۴۷). لذا به منظور تخلق به اوصاف و اخلاق نیک، باید پیوسته رفتاری مناسب با آن انجام داد تا بتدریج آن خلق در نفس از حال به عادت و سرانجام به ملکه مبدل شود و در نفس رسوخ کند؛ برای مثال کسی که می‌خواهد به فضیلت شجاعت آراسته گردد، باید با انجام دادن افعال شجاعانه و صبر و تحمل ترس بیجا و بی‌مورد را از خود دور سازد. به طور کلی در یادگیری هر امری، تکرار مطلب و توجه پیوسته به آن، نقش اساسی دارد.

بنابراین از نظر خواجه طوسی، «اخلاق علمی است که درباره نفس آدمی از آن جهت که دارای ملکات نفسانی است و از او افعال ارادی پسندیده یا ناپسند صادر می‌شود، بحث می‌کند» (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۴۸). وی با الهام از مکتب اسلام بر این باور است که انسان در پرتو اخلاق می‌تواند نفس خویش را از پستیها، ظلمتها، کدورتها بزدايد و به کمال نهایی دست یابد که قرب خداوندی است.

نقش اخلاق آن چنان عظیم و گسترده است که پیامبر اسلام (ص) «هدف از بعثت خویش را تتمیم و تکمیل مکارم اخلاق دانسته است» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۴)؛ زیرا در نفس آدمی گرایش به خیر و شر، نهفته، و زمینه‌های تکمیل و تکامل و صعود و سقوط در نهاد او نهاده شده است و اگر او را به حال خود رها نکنند و از توجه به شقاوت و خسران مانع شوند، بی‌گمان به سوی کمال حرکت می‌کند. بنابراین از آن جهت که مردمان در فطرت، مستعد سعادت و شقاوتند، نیازمند اخلاقند و باید کسانی باشند که آنان را از توجه به شقاوت بازدارند و به سوی سعادت رهنمون سازند (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۶۴). خواجه طوسی، اخلاق را قابل تغییر می‌داند و بر این عقیده است که انسان به گونه‌ای آفریده شده است که می‌تواند صفات، عاداتها و حتی ملکات اخلاقی خویش را تغییر دهد و هر خلقی را که بخواهد با رفتار مکرر و متناسب با آن، برگزیند و در نفس خود رسوخ دهد. از این رو نقش بسیار مهم و سازنده خانواده و بویژه آموزش و پرورش به این دلیل که کودکان و نوجوانان بیشترین زمان و وقت خود را در نهاد مدرسه سپری می‌کنند در هدایت، تأدیب و پرورش صحیح اخلاق کودکان مشخص می‌شود.

جایگاه تربیت اخلاقی

تهذیب و تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه طوسی، آراستن نفس به فضایل و

پیراستن از رذایل است؛ به عبارت دیگر تربیت اخلاقی به معنای به کارگیری روشهایی به منظور پرورش فضایل و نیکیها و زدودن رذایل اخلاقی است (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۱۵۲).

تربیت اخلاقی از دیدگاه «خواجه نصیر الدین طوسی» به عنوان نماینده تفکر اخلاق اسلامی بر فضیلت مبتنی است. یکی از دلایل عمده آن (اینکه اخلاق خواجه طوسی، اخلاق مبتنی بر فضیلت است)، تأثیرپذیری فلسفه مورد توجه مسلمین از فلسفه یونانی است. خواجه طوسی در بحث تهذیب اخلاق متأثر از سنت افلاطونی - ارسطویی، محور بحث تربیت و تهذیب اخلاق را بر اساس تهذیب قوای سه گانه نفسانی (شهووی، غضبی و ناطقه) استوار می کند. حاصل تهذیب قوای یاد شده، سیرتهایی از قبیل «سیرت لذت»، «سیرت کرامت» و «سیرت حکمت» است که در حکم صفات، ملکات و منشهای اخلاقی خاصی است که تربیت اخلاقی، آن هدفها را دنبال می کند (طوسی، ۱۳۶۰: ۹۶).

با توجه به نظر خواجه طوسی، مبنی بر اینکه نیروی اراده و اندیشه خاستگاه اخلاق است و فطرت خود به خود انسان را به کمال اخلاقی رهنمون نمی کند مگر با نیروی تعقل و انسان به مدد نیروی تفکر قادر به درک امور اخلاقی و به کار بستن ارزشهای اخلاقی در زندگی خود است، تربیت اخلاقی ضرورت می یابد؛ یعنی تربیت و تربیت اخلاقی به دلیل وجود نیروی تفکر و اراده در انسان، معنا و مفهوم و اهمیت می یابد. بنابراین به منظور تهذیب قوای نفسانی و ایجاد صفت یا ملکه خاص اخلاقی روش عادات عقلانی مورد تأکید خواجه است؛ زیرا فرد ممکن است در ابتدا بدون دلیل، عادات مورد نظر را بپذیرد ولی بتدریج به وسیله روشنگری عقل خود ضرورت آنها را احساس کند و آن عادات را آگاهانه به کار برد. روش به کار گرفته شده در تهذیب اخلاق یا تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه طوسی، مرحله به مرحله و از سن

کودکی تا دوره جوانی است. بدین ترتیب در دوران کودکی تربیت یا تهذیب اخلاق به شکل تأدیب، اجبار، عادت و ملکه است تا اینکه در مرحله جوانی و بلوغ و کمال عقل، تهذیب اخلاق صورت دلیل، برهان و استدلال می‌یابد؛ یعنی در فرایند تهذیب یا تربیت اخلاقی که از دروان کودکی شروع می‌شود، باید کودک را به صورت اجباری یا اختیاری به عادات پسندیده ترغیب کرد تا آن عادت را ملکه کند و هنگامی که به کمال عقل رسید از ثمرات آن تمتع یابد (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۰۶ و ۱۰۵ و ۲۲۲).

هدف اصلی تربیت اخلاقی از نظر خواجه طوسی ایجاد و استقرار منشهای معینی است که انسان را به سعادت و کمال و بالاترین مرتبه سعادت یعنی نایل شدن به جوار رب العالمین می‌رساند (طوسی، ۱۳۶۰: ۶۴). پس از دیدگاه خواجه، اولین گام در راه رسیدن به این هدف شناخت نفس است؛ چرا که انسان تا نفس خود را نشناسد هرگز نمی‌تواند برای اصلاح آن اقدام کند و در جهت بهبود اخلاق گام بردارد. از این روست که امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»؛ کسی که خود را شناخت، خدای خود را شناخته است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳) و نیز حضرت علی (ع) فرمودند: «افضل المعرفة معرفة الانسان نفسه»؛ برترین معرفت آن است که انسان نفس خود را بشناسد (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۸۷). بنابراین شناخت نفس پایه شناخت خداوند است که فرد باید در این مسیر هدایت شود و به مدد نیروی اراده و عقل خویش بتدریج به سوی علوم و معارف و آداب و فضایل گرایش، و به کمال و سعادت دست یابد.

اهداف تربیتی

هدف یکی از عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است. «هدف در تعلیم و

تربیت به معنی وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. هدف‌های تربیتی سه کارکرد دارد: ۱. رهبری فعالیت‌های تربیتی؛ ۲. ایجاد انگیزه در فرد ۳. ارائه معیاری برای ارزیابی» (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸: ۵).

اهداف تربیتی مورد نظر خواجه طوسی به دو صورت: یکی اهداف غایی - واسطی و دیگری اهداف مربوط به تعلیم و تربیت قابل طرح است.

هدف غایی

از نظر خواجه طوسی سعادت و کمال به عنوان هدف غایی تهذیب اخلاقی یا تربیت اخلاقی تلقی می‌شود؛ یعنی تمام کوشش‌های تربیت اخلاقی در نهایت باید فرد را به سعادت شایسته خودش نایل گرداند. سعادت و کمال از نظر خواجه مراتب و درجاتی دارد که عالترین مرتبه آنها قرب حضرت حق تعالی است.

«اگر بر وفق مصلحت از روی ارادت بر قاعده مستقیم حرکت کند و بتدریج سوی علوم و معارف و آداب و فضایل گراید و شوقی که در طبیعت او به نیل کمال مرکوز است او را به طریقی راست و قصدی محمود از مرتبه به مرتبه می‌آورد و از افق به افق می‌رساند تا نور الهی بر او تابد و مجاورت ملا اعلی بیابد از مقربان حضرت صمدی شود و در مرتبه اصلی سکون و اقامت اختیار کند» (همایی، ۱۳۷۴: ۷). بنابراین از سخن خواجه طوسی چنین مستفاد می‌شود که انسان با استفاده از اراده، علم و آگاهی می‌تواند در مسیر اعتدال، دوری از افراط و تفریط قدم بگذارد و به قرب الهی برسد.

اهداف واسطی

به نظر خواجه طوسی سعادت و کمال بدون مقدمه و دستیابی به هدف‌های زمینه‌ای صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل خواجه هدف‌های مراتب پایین‌تر در تربیت اخلاقی را

مطرح می‌کند که در پی‌ریزی سعادت آینده کودکان و فرزندان مؤثر واقع می‌شود.

الف. تهذیب قوه شهوی

تهذیب قوه شهوی به این دلیل که اولین قوه‌ای است که در کودک ظاهر می‌شود یکی از اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین زمینه‌های تربیت اخلاقی است. این قوه باید به وسیله عقل (قوه ناطقه) کنترل، و در سایه آن هدایت گردد تا از هلاکت فرد جلوگیری شود. «و معلوم است که اول قوتی که در کودکان حادث شود، قوت طلب غذا و سعی در تحصیل آن باشد...» (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۱۵۰). به نظر خواجه از تهذیب این قوه و از به انقیاد در آوردن «نفس بهیمی» که حاصل قوه شهوانی است، فضیلت «عفت» و به دنبال آن فضیلت «سخا» و «سیرت لذت» در انسان حاصل می‌گردد (طوسی، ۱۳۶۰: ۹۶).

ب. تهذیب قوه غضبی

تهذیب قوه غضبی و یا به عبارتی مهار و کنترل «نفس سبعی» به وسیله عقل، که به ترتیب منتج به «فضیلت حلم»، «فضیلت شجاعت» و «سیرت کرامت» می‌شود، پس از تهذیب قوه شهوی لازم است. «قوه غضبی که آنرا نفس سبعی گویند و آن مبدأ غضب و دلیری و اقدام بر احوال و شوق تسلط و ترفع و مزید جاه باشد و هرگاه که حرکت نفس سبعی به اعتدال و انقیاد نماید، عاقله را و قناعت کند بر آنچه نفس عاقله قسط او شمرد و تهیج بی‌وقت و تجاوز حد نماید در احوال خویش نفس را از آن حرکت فضیلت «حلم» حادث شود و فضیلت «شجاعت» به تبعیت لازم آید» (طوسی، ۱۳۶۰: ۹۶). تهذیب قوه غضبی سبب دوری فرد از کارهای با خطرپذیری زیاد، جاه‌طلبی، زورگویی و استثمار دیگران می‌شود.

ج. تهذیب قوه ناطقه

به نظر خواجه، قوه ناطقه یا نفس ملک‌کی مبدأ فکر و اندیشه است. به منظور تهذیب

این قوه انسان باید در پی کسب معارف یقینی باشد؛ بدین ترتیب با اکتساب معارف و علوم و دانش «فضیلت علم» و به تبع آن «سیرت حکمت» حادث می‌شود (طوسی، ۱۳۶۰: ۹۶).

از نظر خواجه از ترکیب این سه قوه با یکدیگر به صورت متمازج و متسالم «فضیلت عدالت» حاصل می‌گردد (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۰۹). عدالت یعنی اینکه تمام قوتها از قوه ناظقه اطاعت و فرمانبرداری کنند تا جاذبه‌های قوتها و هوسها فرد را به ورطه هلاکت و نابودی نیفکند.

از دیدگاه دیگر خواجه نصیر طوسی در ذیل مطالبی که درباره تعلیم و تربیت فرزندان مطرح می‌کند به صورت ویژه به هدفهای تربیت اخلاقی اشاره می‌کند. این اهداف شامل اهداف تأدیبی، تعلیمی و تفهیمی است.

الف. اهداف تأدیبی

۱. الف. زمینه‌سازی: یکی از اهداف اولیه و اصلی تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، که نقش زمینه‌سازی برای هدفهای تعلیمی و تفهیمی دارد، مجموعه آموزشهایی است که برای تأدیب کودکان باید انجام داد. به نظر خواجه طوسی، زمان تربیت اخلاقی کودک بعد از دوره شیردهی است. وی معتقد است قبل از اینکه اخلاق کودک تباه گردد، باید به تأدیب و تربیت اخلاقی او پرداخته شود: «... و چون رضاع او تمام شود به تأدیب و ریاضت اخلاق او مشغول باید شد پیشتر از آن که اخلاق تباه فراگیرد. چه کودک مستعد بود و به اخلاق ذمیمه میل بیشتر کند به سبب نقصانی و حاجتی که در طبیعت او بود...» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۱۵ و ۱۱۴). به دلیل کمبودها، نواقص و نیازهایی که در طبیعت انسان هست، تربیت و تأدیب فرد در همان دوران کودکی ضرورت می‌یابد تا آدمی به رفتار ناپسند و نازیبا گرایش پیدا نکند. بنابراین از دیدگاه خواجه طوسی تأدیب و ریاضت از جمله مراحل و روشهای

تربیت اخلاقی است. همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد، تهذیب اخلاق فرایندی است که باید از همان دوران کودکی با روش تأدیب کودک شروع شود و در مرحله بلوغ عقل شکل ریاضت (حاکمیت قوه عاقله بر سایر قوا) و یا استدلالی به خود بگیرد. در این مرحله است که فرد دلیل رفتار خوب و پرهیز از رفتار زشت را در دوران کودکی درک می‌کند.

۲. الف. پرورش قوه حیا: پرورش قوه «حیا» اولین هدف و زمینه‌ساز تربیت اخلاقی کودک است و باید اهتمام زیادی در پرورش این قوه در کودکان به کار بست؛ زیرا به عنوان اولین قوه از قوه ناظره یا عقلانی در کودک ظاهر می‌شود. از نظر خواجه ظهور چنین قوه‌ای خود دلیل بر «تربیت پذیری» انسان است. «... و اول چیزی از آثار قوت تمیز که در کودک ظاهر شود «حیا» بود؛ پس نگاه باید کرد اگر حیا بر او غالب بود و بیشتر اوقات سر در پیش افکنده دارد و «وقاحت» ننماید، دلیل نجابت بود؛ چه نفس او از قبیح محترز است و به جمیل نایل و این علامت استعداد تأدب بود و چون چنین بود، عنایت به تأدیب و اهتمام به حسن تربیتش باید داشت و اهمال و ترک رخصت نداد» (طوسی، ۱۳۶۰: ۲۲۲). در تربیت و تأدیب صحیح باید تلاش و کوشش زیادی مبذول کرد و هیچ کوتاهی در این امر مهم راه نداد؛ زیرا نفس انسان از زشتی گریزان و به زیبایی متمایل است. از نظر خواجه طوسی اولین آثار وجود قوه تمیز یا همان نیروی فکر و اندیشه در انسان، قوه حیا یا نجابت است؛ یعنی هر انسانی به دلیل قوه عاقله و به تبع آن قوه حیا تشخیص می‌دهد که از چه کارهایی پرهیز کند و به چه رفتاری مجاز است. در مورد فردی که خود را به هر کاری مجاز می‌داند و از کارهای زشت نمی‌پرهیزد، می‌توان با توجه به دیدگاه‌های خواجه طوسی اظهار نظر کرد که قوه حیا و نجابت را در خود پرورش نداده است. نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که خواجه طوسی در زمینه تربیت و تربیت اخلاقی هم چنانکه

دیدگاهی عقل‌گرا دارد در این بین از آموزه‌های مکتب اسلام نیز برای اثبات دیدگاه‌های خود استفاده می‌کند. به طور کلی تفاوت تربیت دینی - اسلامی با تربیت غربی در همین نکته است که در غرب تنها با عقل و برهان به آموزش اخلاق پرداخته می‌شود اما در تربیت دینی - اسلامی هم از عقل و هم از مکتب و حیاتی در تربیت اخلاقی انسان استفاده می‌شود؛ یعنی در زمینه‌هایی که عقل قادر به درک نیک یا بد بودن عمل نیست، دین وارد عرصه می‌شود.

۳. الف. ایجاد ویژگی‌های خوب: یکی دیگر از هدف‌های تربیت اخلاقی در مرحله تأدیب، که خواجه بدان توجه خاصی دارد، ترغیب کودک به همنشینی با نیکان و جلوگیری از همنشینی با بدان به منظور ایجاد ویژگی‌های نیک است، زیرا نفس کودک ساده است و از سرمشق‌های محیطی و بویژه همسالان خود سریع تأثیر می‌پذیرد. «و اول چیزی از تأدیب آن بود که او را از مخالفت اضداد، که مجالست و ملاعبت ایشان مقتضی افساد طبع او بود، نگاه دارند؛ چه نفس کودک ساده باشد و قبول صورت از اقران خود زودتر کند» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۱۵). کودکان بشدت از همسالان و هم چنین بزرگسالان و والدین خود تقلید می‌کنند؛ پس شایسته‌تر است که کودکان به منظور شکل‌گیری صفات پسندیده و نیک با الگوها و سرمشق‌های مثبت روبه‌رو شوند.

۴. الف. حفظ کرامت و حرمت نفس کودک، معلم و بزرگترها: خواجه طوسی ضمن اشاره به نقش تربیتی تشویق و تنبیه (مؤاخذه) ملایم بزرگترها و معلم در شکل‌گیری اخلاق کودک در دوران طفولیت، رعایت کرامت و حرمت نفس کودک، معلم و هر کسی را گوشزد می‌کند که مسئول آموزش کودک است. «... بر حرمت نفس خود و معلم و هر کس که به سن از او بزرگتر رسد تحریص کنند و فرزندان و بزرگان بدین آداب محتاج‌تر باشند» (طوسی، ۱۳۶۰: ۲۲۶). وی معتقد

است که در زمینه تشویق کودک تنها به امور مادی و مالی توجه نشود بلکه باید ترفع نفس و حفظ کرامت انسانی را مد نظر قرار داد. «... و ترفع نفس از حرص بر مطاعم و مشارب و دیگر لذات و ایثار آن بر غیر در دل شیرین گردانند...» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۱۷). تربیت مبتنی بر محبت و مهرورزی همواره مورد تأکید خواجه طوسی بوده است. امروزه علم روانشناسی هم به تأثیرات وارونه تنبیه در تربیت کودکان اشاره می‌کند.

ب. اهداف آموزشی یا تعلیمی

خواجه طوسی بر این باور است که در مرحله تعلیمی ابتدا باید به آموزش سنتها و فرایض دینی، آموختن شعر و به طور کلی علم اخلاق به کودکان پرداخت؛ چرا که آموزش کارهای غیر اخلاقی به نوآموزان و جوانان، آنها را فاسد می‌کند و پس از آن دیگر علوم مربوط به حکمت نظری را به آنها آموخت. «پس تعلیم او آغاز کنند و محاسن و اخبار و اشعار که به ادب شریف ناطق بود او را حفظ کنند تا مؤکد آن معانی شود که در او آموخته باشند و از اشعار سخیف، که بر ذکر غزل و عشق و شرب خمر مشتمل بود، احتراز فرمایند و بدان که جماعتی حفظ آن از ظرافت پندارند و گویند که رقت طبع بدان اکتساب باید کرد، التفات نمایند؛ چه امثال این اشعار مفسد احداث^۱ بود» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۱۹ و ۱۱۸). انسان، دانشهای مختلف را اکتسابی تحصیل می‌کند؛ بنابراین متولیان تعلیم و تربیت باید در انتخاب مواد و محتوای دانشها بویژه علوم و دروس ادبی دقت کنند تا مبادا موادی در برنامه درسی مدارس گنجانده شود که موجبات فساد و تباهی جوانان را فراهم سازد.

ج. اهداف تفهیمی

خواجه طوسی معتقد است که پرورش قوه «فهم» در تربیت اخلاقی و خودسازی

۱- نوآموزان و نوخاستگان و جوانان.

کودکان و نوجوانان نقش اساسی دارد. به نظر وی هنگامی باید به پرورش این قوه پرداخت که فرد به مرحله‌ای از درک و فهم رسیده است که اغراض دیگران را در می‌یابد؛ به عبارت دیگر مربی در این مرحله با منطق و استدلال، دلیل کارهای اخلاقی را به متربی می‌فهماند. فرد با رشد قوه عقل و فهم خود و نیز بینش و بصیرت اخلاقی دلیل آنچه را در آغاز با تقلید و عادت آموخته و انجام داده است، در می‌یابد. «و چون از مرتبه کودکی بگذرد و اغراض مردمان فهم کند او را تفهیم کنند که غرض از ثروت و ضیاع و عیب و خول و خیل و طرح و فرش ترفیه بدن و حفظ صحت است تا معتدل المزاج بماند و در امراض و آفات نیفتد؛ چندانکه استعداد و تأهب دارالبقا حاصل کند و با او تقریر دهند که لذات بدنی خلاص از آلام باشد و راحت یافتن از تعب تا این قاعده را التزام نماید. پس اگر اهل علم بود تعلم علوم اول اخلاق و بعد از آن علوم حکمت نظری آغاز کنند تا آنچه در مبدأ به تقلید گرفته باشد او را مبرهن شود و بر سعادت‌ی که در بدو نما، بی‌اختیار او را روزی شده باشد، شکرگزاری و ابتهاج نماید» (طوسی، ۱۳۶۰: ۲۲۷).

اصول و روشهای تربیت اخلاقی

معمولاً اصول تربیت، قواعد همگانی است که می‌توان آنها را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده نمود؛ یعنی این اصول مبنای استخراج روشهای تربیتی به شمار می‌رود و روشها مترتب و متفرع بر این اصول است (باقری، ۱۳۸۲: ۶۸). به یک معنا اصل و روش یکی است؛ منتهی اصل از روش کلی‌تر است.

اصل اول: شرافت، کرامت و ارزشمندی انسان

بر اساس این اصل، انسان به دلیل نفس قدسی که واجد آن شده، موجودی است

ارزشمند که در آیات و روایات به آن اشاره‌های فراوان شده است (طوسی، ۱۳۶۰: ۶۳). بر این اساس، مربی به حفظ کرامت و ارزشمندی متربی توجه دارد. روشهایی که می‌تواند به تحقق این اصل کمک کند عبارت است از:

۱. استفاده از تشویق و تنبیه کنترل‌شده و هدفدار

خواجه نصیر، تشویق و تنبیه را به دو ابزار برای ضمانت اجرای تعلیم و تربیت و گسترش آن و سالم‌سازی فضای خانه، مدرسه و جامعه و ایجاد انگیزه برای پرهیز از تخلفات، ضروری قلمداد کرده و بشارت و انذار پیامبران الهی و پاداش و کیفر و وعده و وعید دینی را بر همین روش استوار دانسته است (طوسی، ۱۰۹۹ق: ۴۱۱ - ۴۰۷). باور خواجه طوسی درباره تنبیه بدنی این است که اگر معلم نتوانست از راه تشویق و انذار و تخویف، دانش‌آموز را اصلاح کند و تنبیه بدنی را لازم دانست، می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد و باید آن تنبیه در عین اینکه دردآور است اندک باشد تا آن دانش‌آموز و دیگران عبرت گیرند (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۲۷ و ۲۲۶). هم چنین خواجه به تنبیه کنترل شده معتقد است: «چون معلم در اثنای تأدیپ ضربی به تقدیم رساند از فریاد و شفاعت خواستن حذر فرماید؛ چه آن فعل ممالیک و ضعفاً بود و ضرب اول باید که اندک بود و نیک مولم تا از آن اعتبار گیرد و بر معاودت دلیری نکند» (همایی، ۱۳۷۴: ۲۲۶). بنابراین از نظر خواجه، تنبیه و به طور خاص تنبیه بدنی و فیزیکی باید آخرین راهکار برای اصلاح دانش‌آموزان باشد که در این زمینه نیز تنبیه کنترل شده و هدفدار را می‌پذیرد.

۲. روش محبت و کرامت

محبت و مهرورزی از شیوه‌های مؤثر و سودمند تعلیم و تربیت است. اولیا و مربیان می‌توانند با به کارگیری این شیوه به مقاصد آموزش و پرورش سریع و آسانی دست یابند. خواجه طوسی به تربیت اخلاقی از راه محبت، کرامت و توجه به عزت نفس

کودکان و نوجوانان توجه دارد: «و باید که او را بر محبت کرامت تنبیه دهند، خاصه کراماتی که به عقل و تمیز و دریافت استحقاق آن کسب کنند نه آنچه به مال و نسب تعلق دارد (طوسی، ۱۳۶۰). بدون تردید اگر محبت بر خانه، مدرسه و جامعه حاکم باشد و در برنامه مسئولان برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت مورد عنایت جدی قرار گیرد و زمینه اجرای آن نیز فراهم شده باشد، بسیاری از تباهیها، نابسامانیها و مشکلات حل خواهد شد (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۲۶۹ - ۲۴۳). استفاده از شیوه محبت در همه شئون زندگی موجب شکل‌گیری عزت نفس در انسان می‌گردد و بدین ترتیب شخص اجازه کارها و رفتار نازیبا و کریه را به خود نمی‌دهد.

۳. روش تغافل و چشم‌پوشی

خواجه طوسی تأکید می‌کند باید طوری به توبیخ و سرزنش فرزندان اقدام کرد که موجب جسارت در آنها نشود و باعث نگردد که کودک به توبیخ و مکاشفت اشتباهات خود عادت کند. «... و اگر قبیحی از او سر زد و دیدیم از ما پوشیده می‌دارد، ما نیز با تغافل بر او مستور سازیم. ولی اگر آن رفتار ناپسند را تکرار کرد، او را در نهان سرزنش کنیم و بر قبح آن فعل مبالغت ورزیم و او را از معاودت بر آن فعل تحذیر کنیم. البته سرزنش ما نباید به گونه‌ای باشد که او را جسور و بی‌شرم سازد» (همایی، ۱۳۷۴: ۲۲۴). چشم‌پوشی از خطاهای کودک باید به صورت پنهانی انجام گیرد و در صورت تکرار عمل زشت از سوی کودک باید بر زشتی آن عمل مبالغه کرد و او را از آن کار برحذر داشت.

۴. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

بدون تردید درک و فهم دانش‌آموزان و متریان متفاوت است. معلم در آموزش باید به تفاوت‌های افراد و میزان دریافت آنها از مطالب توجه کند. خواجه طوسی با الهام از سخن پیامبر اسلام (ص) که می‌فرماید: پیامبران الهی مأمورند به میزان عقل و

درک مردم با آنان سخن گویند (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۲۸۳) به معلمان و مبلغان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش توصیه می‌کند که برای رشد و پرورش متریان و متعلمان و مخاطبان، نخست باید اوصاف و ویژگیهای متفاوت آنان شناخته شود و اختلاف درک و فهمشان مورد توجه قرار گیرد و همزمانی و همسطحی رعایت، و برای هر گروهی متناسب با احوال و زمینه‌های درکی و فهمی آنان، برنامه‌ریزی شود (طوسی، ۱۳۶۳: ۳۰ - ۲۷). توجه به تفاوت‌های فردی کودکان در تربیت موجب بروز استعداد‌های بالقوه آنها می‌شود که این امر زمینه‌ساز تکامل و ترقی جامعه در علم، فناوری، اخلاق و معنویات می‌گردد.

اصل دوم: اصل اقتدا به طبیعت طفل

خواجه طوسی بر مبنای اقتدا به طبیعت به ترتیب تهذیب قوای نفسانی اشاره می‌کند (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۵۰). بدین ترتیب یکی از اصول مهم حاکم بر روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه، پیروی از طبیعت اولیه کودک و توجه به ترتیب نیروهای طبیعی در آن است. «چون تهذیب اخلاق و اکتساب فضایل که ما به صدمه معرفت آن آمده‌ایم، امری صناعی است در آن باب اقتدا طبیعت لازم بود و این چنان باشد که تأمل کنیم تا ترتیب وجود قوی و ملکات در بدو خلقت بر چه سیاقی بوده است، پس در تهذیب همان تدریج نگاه داریم» (همایی، ۱۳۷۴: ۵۱ و ۵۰). شیوه‌ای که می‌تواند به تحقق این اصل کمک کند پیروی از تدبیر طبیعت در ایجاد قوا در کودک است.

پیروی از تدبیر طبیعت در ایجاد قوا در کودک

بنا به باور خواجه طوسی «انسان دارای قوای شهوی، غضبی و ادراکی است و این قوا بتدریج و به ترتیب ظاهر می‌شوند. نخست قوه شهوی سپس قوه غضبی و در نهایت قوای ادراکی ظاهر می‌شود و در برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی باید سیر

تدریجی بروز و ظهور قوا مورد توجه قرار گیرد» (طوسی ب، ۱۳۶۹: ۱۵۱ - ۱۴۶). بنابراین با تدریجی کردن «تربیت اخلاقی» ابتدا باید به تهذیب قوه «شهوئی» پرداخت و صفت «عفت» را به دست آورد که از فضایل قوه «شهوئی» است. در مرحله بعد، نوبت به تهذیب قوه «غضب» و تحصیل فضیلت «شجاعت» می‌رسد. سپس در مرتبه سوم، باید در تکمیل و تربیت قوه عاقله جهد و کوشش کرد تا تحصیل فضیلت «حکمت» فراهم شود. قوه تمیز کودک بتدریج رشد می‌کند و مطابق این اصل نمی‌توان مطالب و مواد تربیت اخلاقی را بدون در نظر گرفتن رشد قوه تمیز به دانش‌آموز ارائه کرد.

اصل سوم: غلبه قوه عاقله بر قوای دیگر

مطابق این اصل اگر همه قوا تحت حاکمیت عقل درآیند انسان صاحب ملکه عدالت می‌شود که غایت و نهایت کمال آدمی است. «... چون این سه جنس فضیلت حاصل شود و هر سه با یکدیگر متمازج و متسالم شوند از ترکب هر سه، حالتی متشابه حادث گردد که کمال و تمام آن فضایل به آن بود و آن را فضیلت عدالت خوانند...» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۰۹ و ۱۰۸). در ارتباط با این اصل به شیوه ریاضت انسان اشاره می‌شود.

ریاضت: ریاضت یکی از روشهای خودسازی و تربیتی است. «در لغت به معنای تدابیری است که برای رام کردن اسب سرکش به کار می‌رود تا از حرکات ناهنجار دست بردارد و به فرمان سوارکار درآید و در اصطلاح اخلاقی و تربیتی بازداشتن نفس از انقیاد قوای شهوئی و غضبی است» (طوسی، ۱۳۶۲: ۱۱۷ و ۱۱۶). بنا بر عقیده خواجه طوسی ضرورت ریاضت بدان دلیل است که چنانچه نفس آدمی از قوه شهوئی و غضبی پیروی کند و به فرمان این دو درآید در حد نفس بهیمی و سبعی تنزل می‌کند و در صورت سرکوب این قوا به ناروا گراییده و قوای خود را به تعطیلی

کشانده است. پس به منظور هدایت و مهار این قوا باید آنها را از طریق ریاضت به خدمت عقل و دین درآورد (طوسی الف، ۱۳۶۹: ۷۷ و ۷۶). عقل و دین همواره دو راهنما برای هدایت بشر به سوی کسب فضیلت و سعادت هست.

اصل چهارم: محور بودن شریعت (همسویی با فطرت خداجویی و دین خواهی) با اینکه قوه عقلانی مستقل از آموزه‌های وحیانی «قادر به شناسایی بسیاری از فضیلتها و رذیلتها اخلاقی است به تنهایی و بدون راهنمایی معرفت وحیانی، کارآمدی آن به امور کلی و اصولی منحصر است و در مقام تعیین و تفصیل جزئیات، سخت آسیب‌پذیر است» (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۵۴ و ۵۳). به باور خواجه طوسی همسویی با فطرت و دین، اصل مسلم تعلیم و تربیت است و همه تدابیر باید بر پایه فطرت و دین، که وی نام آنرا سیاست الهی نهاده است، پی‌ریزی شود...» (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۰۹). روش اساسی در این اصل روش تربیتی پیروی از شریعت است.

روش آموزش حقایق دینی

تربیت اخلاقی از راه «تربیت دینی» و آموزش حقایق دینی نیز یکی از راه‌های پرورش اخلاقی است که خواجه بر آن تأکید دارد. «پس سنن و وظایف دین در او آموزند و او را بر مواظبت آن ترغیب کنند...» (طوسی، ۱۳۶۰: ۲۲۳). وی آموزه‌های دین و خرد یا فلسفه را در عرصه تعلیم و تربیت به هم در می‌آمیزد و به پدر و مادر توصیه می‌کند که نخست فرزند را در قید ناموس الهی (دین) در آورند؛ زیرا دین می‌تواند انسان را به حکمت، عدالت، شجاعت و عفت رهنمون شود و ملکه اعتدال را که صراط مستقیم الهی است در جان او راسخ سازد و او را از افراط و تفریط باز دارد (طوسی، ۱۳۶۹: ۶۴). تربیت دینی با مشخص کردن کارهای واجب و حرام، موجب هدایت، قرار دادن انسان در مسیر درست و ایجاد اعتدال در او می‌شود.

اصل پنجم: تقدم تشخیص بر سبب‌شناسی و درمان (همانندی علم اخلاق با علم طب)

همان‌گونه که جسم دچار بیماری و از دست دادن تعادل و سلامت خود می‌شود، قوای نفس نیز چون امکان آلوده شدن به رذایل اخلاقی را دارند، ممکن است صحت و تعادل خود را از دست بدهند و برای بازگشت به تعادل، اصول و روشهایی مشابه علم طب بر آنها مترتب است. خواجه نصیر به مقایسه تهذیب اخلاق با علم طب می‌پردازد و تهذیب اخلاق را نیز «طب روحانی» می‌نامد و می‌افزاید هم‌چنانکه در طب جسمانی، روشهایی برای حفظ صحت و سلامت (پیشگیری) و روشهایی به منظور برطرف کردن علت و از بین بردن علت بیماریها (درمان) هست در تهذیب اخلاق (طب روحانی) نیز باید به همین ترتیب عمل کرد (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۵۳ و ۱۵۲)؛ بدین معنی که شماری از روشهای تربیت اخلاقی در حکم پیشگیری است و شماری نیز برای درمان بیماریهای اخلاقی به کار می‌رود.

الف. روشهای پیشگیری از عیوب

۱. تأمل در رفتار قبل از اقدام به عمل

به عقیده خواجه طالب فضیلت «باید که نظر دقیق بر اصناف حرکات و سکناات و اقوال و افعال و تدابیر و تصرفات مقدم دارد تا بر حسب اجرای عاداتی مخالف ارادت عقلی چیزی از او صادر نشود...» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۳). تفکر و اندیشه قبل از کارها و توجه به نتایجی که آن رفتار برای اطرافیان و حتی جهانیان در بر دارد باید به کودکان آموزش داده شود.

۲. برشمردن عیوب خویش و تلاش برای رفع آنها

طبق این روش، فرد به منظور حفظ صحت نفس در جستجوی کشف عیوب خود است و برای تشخیص بیماریهای نفس به رفتار خود با دیده تردید می‌نگرد. «وباید که

حافظ صحت نفس عیوب خویش به استقصای تمام طلب کند و بر آن اقتصار ننماید» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۵). ارزیابی و بازبینی رفتار توسط خود فرد به سبب شناخت و اشرافی که بر خود دارد، بهترین روش برای تشخیص عیوب و رفع آنها است.

ب. روشهای عملی کشف و تشخیص عیوب

۱. کشف عیوب به وسیله دوستان فاضل و مهربان

«و باید که دوستی کامل فاضل اختیار کند و بعد از طول مؤانست او را اخبار دهد که علامت صدق مودت او آن است که از عیوب نفس این شخص اعلام واجب داند تا از آن تجنب نماید» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۵).

۲. کشف عیوب با استفاده از اظهارات دشمن درباره خود

«... دشمن از دوست در این مقام با منفعت تر بود؛ چه دشمن در اظهار عیوب احتشامی نگاه ندارد و بر آنچه داند اقتصار نکند...» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۶).

۳. دیگران را در آینه خود قرار دادن

از نظر خواجه طوسی «باید که طالب فضیلت از صورتهای آشنایان خویش آینه- ای سازد تا از هر صورتی وضعی که مستتبع سیئه‌ای افتد استفادت کند و بر سیئات خود اطلاع یابد؛ یعنی تفقد سیئات مردمان کند و بر هر یکی از آن، خود را به مذمت و عتاب ملامت کند؛ چنانکه گویی مگر آن فعل از او صادر شده است» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۶).

اصل ششم: تقدم تخلیه بر تحلیه

خواجه طوسی معتقد است که ابتدا باید دل و ذهن آدمی از رذایل و آلودگیها و بیماریهای درون پاکسازی گردد و آن گاه به زیورهای اخلاقی متحلی شود تا تواناییهایش به فعلیت و کمال برسد (طوسی الف، ۱۳۶۹: ۵۸). وقتی وجود آدمی پر از رذایل است، جایی برای پرورش و اکتساب فضایل باقی نمی‌ماند. از دیدگاه

خواجه طوسی تخلیه بر تخلیه مقدم است.

خواجه طوسی برای از بین بردن بیماریهای نفسانی، روشهایی متناظر با روشهای معالجه بیماریهای جسمی ارائه می کند که به ترتیب با درمان غذایی آغاز می شود و سپس به دارو و پس از آن سم درمانی و در نهایت به تعدیب و تأدیب به وسیله داغ کردن و قطع عضو می انجامد. «و اما معالجات کلی در طب به استعمال چهار صنف بود: غذا و دوا و سمّ و کئی یا قطع و امراض نفسانی هم بر این سیاق اعتبار باید کرد..» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۷۰). روشهای درمان بیماریهای نفسانی عبارت است از:

۱. روش عمل به ضد یا رفتار ناهمساز

طبق این روش، وقتی تشخیص داده شد که صفت رذیله‌ای در فرد هست، باید به تقویت رفتارهایی اقدام کرد که در مقابل و ضد آن صفت بد قرار دارد و در حفظ این افعال سعی کرد. «هم چنانکه در علم طب ابدان ازاله مرض به ضد کنند در طبّ نفوس ازاله رذایل هم به اضداد آن رذایل باید کرد» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۷). این روش در دیدگاه خواجه با روش غذایی یا غذا درمانی متناظر به شمار می رود.

۲. سرزنش و ملامت نفس

اگر روش اول در از بین بردن و دفع صفت رذیله فایده و کارایی نداشت از این روش استفاده می شود. طبق این روش فرد در دل و زبان به سرزنش و نکوهش خود می پردازد. «اگر بدین نوع معالجه مرض زایل نشود، توبیخ و ملامت و تعبیر و مذمت نفس بر آن فعل، چه به طریق فکر و چه به قول و چه به عمل استعمال کنند» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۷۱). خواجه طوسی معتقد است به کارگیری این روش با روش دارو درمانی در طب متناظر است.

۳. ارتکاب رفتار رذیلتی که ضد آن رذیله است

از این روش هنگامی استفاده می شود که روشهای قبلی مؤثر واقع نشود. با توجه به

نظر خواجه طوسی، همان گونه که در طب، گاهی استفاده از سم مباح است، استفاده از این روش، که با سم درمانی در درمان بیماریهای جسمانی متناظر است به شرط رعایت اعتدال و نیفتادن در دام رذیله‌ای دیگر جایز و مباح است (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۷۱)؛ برای مثال اگر فردی در خود، صفت بخل را احساس کرد و روشهای مطرح شده به هیچ وجه کارساز نبود، باید مانند اسراف کنندگان به بذل و بخشش بیش از اندازه مال و ثروت خود اقدام کند؛ البته با ذکر این شرط که در صورت از بین بردن صفت بخل از ادامه این روش خودداری کند تا رذیله اسراف در او ایجاد نشود.

۴. تعذیب و تأدیب نفس به کارهای سخت و تکالیف دشوار

اگر هیچ یک از روشهای پیشین موثر واقع نشد، این روش به کار گرفته می‌شود تا اصلاح لازم صورت پذیرد. به نظر خواجه این روش درمان متناظر با روش قطع اعضا و داغ کردن اعضای خارجی در طب متناظر است (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۷۱).

اصل هفتم: اصل اکتساب

از جمله روشها و فنون ایجاد و افزایش رفتار مطلوب در نظریه یادگیری اجتماعی، الگوبرداری و سرمشق‌گیری است. «الگوبرداری یا سرمشق‌گیری به آن فرایند یادگیری گفته می‌شود که به دلیل آن فرد در نتیجه مشاهده رفتار یک فرد دیگر (سرمشق یا الگو)، یعنی دیدن، شنیدن یا حتی خواندن درباره آن رفتار تغییر می‌کند. آدمیان بسیاری از رفتار سازگارانه و ناسازگارانه خود را از راه مشاهده اعمال دیگران کسب می‌کنند» (سیف، ۱۳۸۹: ۳۵۳ و ۳۵۲). خواجه طوسی هم به نقش مهم تقلید از الگوهای رفتاری و سعی در دور نگاه داشتن کودکان از سرمشقه‌های اخلاقی ناپسند و نازیبا تأکید می‌کند. «با او تقریر دهند که جامه‌های منقوش لایق زنان بود و اهل شرف را به جامه التفات نبود تا چون بر آن برآید و سمع از آن پر شود و تکرار و تذکر متواتر گردد...» (همایی، ۱۳۷۴: ۲۲۳). معلمان و والدین به عنوان افرادی که

کودک بیشترین ارتباط را با آنها دارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد در ایجاد نگرشهای ساده زیستی و دوری از تجمل در کودکان نقش بسیار مهمی به عهده دارند.

روشهای تربیت اخلاقی این اصل عبارت است از:

۱. پرهیز و ترک همنشینی با افراد شرور، بد اخلاق و بد کردار

خواجه طوسی با توجه به نقش مهم تقلید از الگوهای رفتاری معتقد است کودکان را باید از سرمشکهای اخلاقی ناپسند و نازیبا دور نگاه داشت. «و هم چنین احتراز از مؤانست و مجالست کسانی که بدین مناقب متحلی نباشند و علی الخصوص از اختلاط اهل شرّ و نقص، مانند گروهی که به مسخرگی و مجون شهرت یافته باشند یا همت به اصابت قبایح شهوات و نیل فواحش لذّات مصروف گردانیده، چه تجنّب از این طایفه حافظ اینصحت را مهمترین شرطی و واجبترین چیزی بود» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۵۵). والدین باید در انتخاب دوست و همشین خوب به فرزندان خود راهنماییهای لازم را ارائه کنند که مبادا در دام افراد شرور و فاقد اخلاق گرفتار شوند.

۲. روش پرهیز از شنیدن قصه‌ها و حکایات صاحبان اخلاق بد و شنیدن آنچه از ایشان سر زده است

خواجه طوسی ضمن پرهیز از همنشینی با صاحبان اوصاف رذیله به پرهیز از شنیدن احادیث و حکایات و روایات اشعار آنها نیز تأکید می‌کند. ایشان معتقدند با حضور در مجالس چنین اشخاصی، ناپاکی و آلودگی چنان به نفس تعلق می‌گیرد که تطهیر نفس از آن بسختی و با صرف زمان زیاد میسر می‌گردد (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۵۵).

۳. روش همنشینی و معاشرت با صاحبان ویژگیهای نیکو

این روش به دلیل اینکه حس شنوایی و بینایی هر دو تحت تأثیر مستقیم پیامهای مورد نظر است، بسیار اثرگذار خواهد بود. شخص در این روش تحت همنشینی با

کسانی قرار دارد که در به تعادل کشیدن قوای نفس توفیق داشته‌اند (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۵۶). آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)، انسانها را به همنشینی با نیکان توصیه می‌کند. «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند؛ هرگز به خاطر زیورهای دنیا چشمان خود را از آنها برمگیر و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن؛ همانا که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است» (کهف/ ۲۸).

۴. روش تکرار و تمرین کار خوب

یکی از روشهای مسلم آموزش و پرورش، تکرار و تمرین است که موجب شکوفایی استعدادها و به فعلیت در آوردن تواناییهاست. خواجه طوسی بر این باور است که آدمی در زمینه تعلیم و تربیت، حرفه و فن و صنعت و اخلاق، آن گاه به مهارت و رشد و تکامل و پیشرفت می‌رسد که با درس و کار و حرفه خود انس گیرد و آن را شعار خود قرار دهد و با تمرین و تکرار و ممارست در جهت ایجاد عادات مناسب و مهارتها و در نهایت، کسب ملکات و هیأت‌های نفسانی بکوشد (طوسی، ۱۳۶۹: ۹۳ و ۱۰۳ - ۱۰۱). تکرار و تمرین باید از روی اراده و اندیشه باشد و گرنه تکرار تنها و بدون آگاهی نمی‌تواند باعث یادگیری فرد شود.

اصل هشتم: استمرار و مداومت

بر اساس این اصل، فرایند تربیت اخلاقی، پیوسته است؛ از دوره کودکی شروع می‌شود و تا مرگ ادامه دارد. از دیدگاه خواجه طوسی فرد باید در مسیر دستیابی به سعادت، صبر و ثبات قدم داشته باشد تا بتواند جمیع اوصاف حسنه را به دست آورد (طوسی، ۱۳۶۰: ۹۴).

روش اول دریافت مستمر پیامهای مثبت اخلاقی: در این روشها که شامل مشاهده پیوسته رفتار بزرگان و صاحبان اخلاق حسنه، شنیدن و مطالعه پیوسته

حکایات و چگونگی احوال بزرگان دین و ملت و کسانی است که در مسیر سعادت گام برداشته‌اند (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۵۶ و ۱۵۵ و ۳۲۲ و ۳۲۱)، فرد پیوسته در معرض پیامهای دیداری و شنیداری قرار دارد و تحت تأثیر آنها به طور مستمر به تحصیل صفات حسنه و کمالات زیبا می‌پردازد.

روش دوم مراقبه و محاسبه: مراقبت این است که آدمی پیوسته خود را از گناهان و حجابها و شواغل و موانع کمال دور سازد و رفتار و گفتار و درون و برون و ظاهر و باطن خود را محافظت و مراقبت کند که بر خلاف دستور خداوند عمل نکند و از او عملی سر نزند که حسناش را نابود سازد (طوسی الف، ۱۳۶۹: ۸۰ و ۸۴). انسان باید در هر کاری خداوند را ناظر بر رفتارش ببیند و بداند که خدا از نهان و آشکار او آگاه است؛ بنابراین مراقب باشد خلافی مرتکب نشود. محاسبه این است که آدمی، طاعات و عبادات و معاصی خود را رسیدگی کند که کدام یک بیشتر است و آن گاه با نعمتهایی که خداوند به او ارزانی داشته است، بسنجد؛ هر چند طاعات و عبادات افراد در برابر نعمتهای بیکران الهی قابل ذکر نیست. از این رو پیوسته آدمیان در پیشگاه ربوبی عذر تقصیر دارند و بر ذلت و عجز و انتقاد خود اقرار می‌کنند. البته رسوایی از حد فزون انسان زمانی است که بنگرد در برابر نعمتهای بیکران و بیشمار خداوند نه تنها عبادتی و طاعتی ندارد، بلکه گناهان بسیاری نیز از او سر زده است (طوسی الف، ۱۳۶۹: ۸۰ و ۸۴). در قرآن و آموزه‌های دین اسلام همواره بر این موضوع تأکید شده است که به رفتار تان رسیدگی کنید. مراقبه و محاسبه دو مرحله از چهار مرحله راهکار رابطه است. این چهار مرحله به ترتیب عبارت است از: مشارطه (با خود شرط کردن که گرد گناه نرود)، مراقبه، محاسبه، معاتبه و استیفا؛ هم چنین تفاوت مراقبه و محاسبه با استقصای عیوب در این است که در استقصا فرد در جستجوی کشف عیوب خود است؛ زیرا انسان به دلیل حبّ نفس

سعی در مخفی کردن عیوب خود دارد؛ اما در مراقبه و محاسبه به ترتیب فرد به مراقبت از خود به منظور عدم ارتکاب نسبت به رفتار خلاف گفته خداوند و در محاسبه به رسیدگی و ارزیابی اعمال نیک و بد خود می‌پردازد.

اصل نهم: جامعیت

مطابق این اصل برای رسیدن به سعادت مطلق، لازم است همه قوا اصلاح شود و به بعضی از آنها اکتفا نگردد. از نظر خواجه طوسی سعید مطلق کسی است که قوا، صفات و افعال خویش را به گونه‌ای اصلاح کرده باشد که تقلب و دگرگونی احوال و گردش روزگار در آنها هیچ تأثیری نداشته باشد و به آنها خللی وارد نسازد (طوسی، ۱۳۶۰: ۹۳). از دیدگاه خواجه طوسی طالب سعادت همواره باید قوای خود را در انقیاد قوه عقل درآورد و در مسیر اعتدال حرکت، از افراط و تفریط قوا جلوگیری کند.

پرهیز از تحریک و تهییج قوه شهوی و غضبی

طبق این روش در تلاش برای تعدیل همه قوا، لازم است که فرد چشم و گوش را از آنچه باعث تحریک و به هیجان در آمدن قوای شهوی و غضبی می‌شود، محافظت کند. انسان همواره تحت تأثیر مشاهدات و شنیده‌های روزمره و آنچه در دل و خاطر خود می‌گذراند، قرار دارد. خواجه طوسی معتقد است که تحریک قوه شهوی و غضبی باعث خارج شدن این قوا از اعتدال می‌شود و در این هنگام بر قوه عاقله سیطره پیدا می‌کنند و ابتکار عمل از آن سلب می‌شود و انسان، ویژگی درندگان یا چهارپایان را می‌کند. وی معتقد است باید که حافظ صحت نفس و تهییج قوت شهوت و قوت غضب نکند...» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۶۳). بنابراین فرد باید به گونه‌ای تربیت شود که به رغم پرهیز از قرار گرفتن در مکانهایی که باعث تحریک او می‌شود با حضور در این مکانها هم بتواند ایمان خود را حفظ، و از سلامت نفس

خود محافظت کند.

نتیجه گیری

از نظر خواجه، غایت و هدف نهایی تربیت اخلاقی، رساندن فرد به سعادت است که در نتیجه تهذیب قوای نفسانی (شهو، غضبی و نطق) و ایجاد اعتدال در میان آنها حاصل می‌شود. ایجاد فضایل چهارگانه - عفت، شجاعت، علم و عدالت - که توسط افلاطون و ارسطو از پیش مطرح گردیده بود از هدفهای اصلی تربیت اخلاقی از نگاه خواجه نصیرالدین طوسی به‌شمار می‌رود. هم‌چنین در زمینه روشها همانند بیشتر دانشمندان اسلامی «عادت‌دادن» را بویژه در دوران کودکی عمده‌ترین راه تربیت اخلاقی می‌داند. در این زمینه توجه به مراحل تربیت اخلاقی از نظر وی مهم و اساسی است. با افزایش سن متریان به تهذیب اخلاق و شیوه‌های مختلف خودسازی اخلاقی از راه ریاضت اخلاقی و به‌طور کلی روشهای عقلانی تأکید زیادی دارد. نکته قابل توجه، اهمیتی است که خواجه در زمینه پرورش اخلاقی به تفاوت‌های فردی قائل است. وی با توجه به این اصل بر این باور است هر کسی باید به حسب استعداد و تواناییهای خود تحت تربیت قرار گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت:

۱. سعادت واقعی انسان در گرو شناخت خود واقعی انسان است که به شناخت خداوند و تقرب به درگاه الهی منجر می‌شود.
۲. انسان، گرایشهای فطری دارد؛ اما مختار است و هیچ انسانی بر اساس فطرت به کارهای زشت و زیبا مجبور نیست.

۳. به منظور کسب فضایل و رسیدن به سعادت، تعلیم و تربیت، ضروری است.

۴. امکان تغییر اخلاق برای همه انسانها، ممکن است.

۵. محیط و الگوهای محیطی بر نگرش افراد و در نتیجه بر رفتارهای آنها تأثیر

می‌گذارد؛ بنابراین معرفی الگوهای مناسب جامعه به نسل جدید می‌تواند متریان را در تربیت بهتر یاری کند. از این رو التزام عملی مریان به ارزشهای اخلاقی ضروری می‌نماید.

۶. برای جذب متریان، بهتر است از روش محبت و مهرورزی در زمینه تربیت استفاده شود.

۷. تعلیم و تربیت باید مبتنی بر خرد ورزی باشد و با روشهای عقلانی اجرا شود. با توجه به اینکه تأکید خواجه طوسی بر تربیت اخلاقی از طریق عادت دادن کودکان، تنها تقلید کورکورانه نیست، وی معتقد است که فرد باید با افزایش سن، خود دلیل کارها را با نیروی عقل دریابد و عادات آموخته شده در کودکی را آگاهانه به کار گیرد؛ هم چنین با قرار گرفتن در عصر ارتباطات، که مبادله اطلاعات و دیدگاههای مختلف به آسانی صورت می‌پذیرد و حاصل آن می‌تواند بروز سؤالها و تردیدهای فراوان در حجیت و اعتبار دین، اخلاق و کارهای اخلاقی باشد، پیشنهاد می‌شود تربیت اخلاقی در این عصر، بیش از هر زمان دیگر، چهره عقلانی به خود گیرد. در چنین وضعیتی و با حجم عظیمی از سؤالها و تردیدها، دین‌ورزی و سخن گفتن از تربیت اخلاقی هنگامی دوام می‌آورد که موجودیتی موجّه و مدلل داشته باشد نه اینکه سلیقه‌ای باشد؛ لذا رسالت اصلی آموزش و پرورش در زمینه تربیت اخلاقی در عصر ارتباطات ابتدا ادغام دیدگاههای تربیت اخلاقی مورد نظر بزرگان و متفکران کشور با یکدیگر و با آموزه‌های مکتب اسلام به منظور بهره‌گیری هر چه بیشتر از منابع و ذخایر عظیم اخلاقی، و نیز تنظیم و تدوین اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی و سپس عملی کردن آنها در مدارس توسط مریانی است که به صورتی توانمند در عرصه تربیت اخلاقی وارد شوند و در رویارویی با افکار گوناگون عقلانیت آموزه‌های دینی و اخلاقی را تبیین می‌کنند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه الهی قمشه‌ای.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *مصباح الشریعه*. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد بن یعقوب (۱۳۷۱ق). *الهوامل و الشوامل*. قاهره: لجنة التألیف و النشر و الترجمة.
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). *شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم*. ج ۷. تهران: دانشگاه تهران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۷۸). *فلسفه تعلیم و تربیت*. ج ۱، با همکاری علی محمد کاردان و دیگران. تهران: سمت.
- دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۷). *اخلاق اسلامی*. قم: نشر معارف.
- رهنما، اکبر (۱۳۷۸). *بررسی، تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی*. رساله دوره دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). *تغییر و رفتار درمانی، نظریه‌ها و روش‌ها*. تهران: نشر دوران.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی، و علی رضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۱). *اخلاق محتشمی*. تهران: انتشارات دانشگاه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۲). *شیوه دانش پژوهی*. ترجمه باقر غباری. تهران: دفتر نشر و تحقیقات بدر.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۳). *روضه التسلیم*. تصحیح و ایوانف؛ تهران: نشر حامی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۹ الف). *اوصاف الاشراف*. تصحیح محمد مدرسی. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۹ ب). *اخلاق ناصری*. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علی رضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۰۹۹ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*؛ قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳). *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*. تهران: کتابخانه سنایی.
- نجازادگان، فتح‌اله (۱۳۸۸). *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*. قم: نشر معارف.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). *منتخب اخلاق ناصری*. تهران: نشر هما.

